

متین السلطنه و روزنامه عصر جدید

فاطمه زهرا خانیان

مقدمه:

در جریان جنگ جهانی اول در کشورمان روزنامه‌های مختلفی منتشر می‌شد که اوضاع مربوط به جنگ را تحت عنوان اخبار داخلی و بین‌المللی و همچنین مقالاتی در تحلیل اوضاع جهان برخاسته از جنگ، منتشر می‌کردند. چون کشور ما علی‌رغم اعلان بی‌طرفی، توسط بیگانگان اشغال شده بود، فراز و نشیب حوادث داخلی، برای ملت ایران کم‌اهمیت‌تر از حوادث جبهه‌های جنگ نبود، ضرورت انتشار این روزنامه‌ها امری مسلم بود. یکی از این روزنامه‌های سالهای جنگ جهانی اول روزنامه عصر جدید به سردبیری عبدالحمیدخان متین‌السلطنه بود و از آنجا که بررسی این نشریه بدون شناخت افکار سیاسی سردبیر آن (که سرانجام موجب ترور او توسط کمیته مجازات شد) امکان‌پذیر نمی‌باشد، در این مقاله ضمن بررسی این نشریه که بهترین منبع برای شناخت افکار سیاسی و موضع‌گیری سردبیر آن است، به بیوگرافی متین‌السلطنه از یک طرف و دلایل شکل‌گیری کمیته مجازات و برخی اقدامات آنها از طرف دیگر نیز خواهیم پرداخت.

با آغاز جنگ جهانی اول متین‌السلطنه روزنامه عصر جدید را منتشر ساخت و با وجود نظرات عمومی که به خاطر رهایی از فشار ظلم و ستم روس و انگلیس (که طبق معاهده ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ کشور ما را در اشغال داشتند) به آلمان‌ها تمایل شده بودند، او از سیاست روس و انگلیس حمایت می‌کرد. با بررسی روزنامه عصر جدید به این نتیجه می‌رسیم که اگر چه در سال نخست، اخبار در جبهه‌ها به طور مساوی و تقریباً بی‌طرفانه درج می‌شد و در ضمن طی مقالات مختلف و با ذکر دلایل، سعی در اثبات بی‌طرفی خود نیز داشت، از لحن بیان مقالات تمایل نویسنده به متفقین آشکار می‌شود. از سال دوم تمام اخبار و مقالات، بی‌پروا طرفدار جبهه متفقین می‌باشد و این مطلب را هر خواننده‌ای (اگر چه از بینش سیاسی عمیقی برخوردار نباشد) به راحتی در

می‌یابد سرانجام نیز این موضع‌گیری متین‌السلطنه در روزنامه عصر جدید بهانه لازم را برای بدخواهانش فراهم و شرایط را به منظور تسویه حساب‌های شخصی از طریق کمیته مجازات فراهم نمود و منجر به ترور او شد.

عبدالحمیدخان متین‌السلطنه ثقفی

عبدالحمید ثقفی^۱، ملقب به متین‌السلطنه پسر حاجی میرزا عبدالباقی طبیب تهران^۲ در سال ۱۳۰۸ قمری به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در دارالفنون و زبان انگلیسی را در مدرسه آمریکایی‌ها آموخت، سپس رهسپار لندن و پاریس گردید و تحصیلات ابتدایی خود را در پاریس و دوره عالی را در انگلستان به پایان رسانید. او به زبان انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشت و عربی و ترکی را تا اندازه‌ای آموخته و در علوم حقوقی و سیاسی و مالی نیز کار کرده و از دانشگاه آکسفورد فارغ‌التحصیل شده بود.^۳ پس از پایان تحصیلات مدتی به عنوان مترجم سفارت ایران در استانبول بکار منشیگری و ترجمه مشغول شد.^۴ پس از مراجعت از استانبول مدتی گمرکات بنادر جنوب به وی سپرده شد و مدتی نیز با سمت امیر البحری کشتی دولتی ایران را به نام پرس پولی اداره می‌کرد.^۵ متین‌السلطنه در سال ۱۳۱۷ق به تهران بازگشت و در بوشهر به استخدام اداره گمرک درآمد که در اختیار صاحب منصبان انگلیسی بود و همزمان روزنامه فکاهی و انتقادی به نام **طلوع** را منتشر ساخت، سپس در سال ۱۳۱۹ق **روزنامه مظفری** را انتشار داد و پس از آن مدت پنج سال معاونت ریاست گمرک خراسان و سپس در دوره‌ی دوم وکیل مردم خراسان در مجلس شورای ملی گردید و بعنوان لیدر حزب اعتدالیون تا نیابت مجلس نیز رسید که درباره عملکرد او در مجلس دوم فقط این را می‌دانیم که جزء اعتدالی‌ها بود.^۶ به همین دلیل به شدت از طرف دموکراتها مورد تهاجم قرار می‌گرفت بطوری که تقی‌زاده در نامه‌ای به شیخ ابراهیم نوشته است «هیئت رئیسه را وجود متین‌السلطنه فاسد کرده، بلکه مجلس را و مملکت را نیز^۷». با تعطیل شدن مجلس دوم به دلیل اولتیماتوم روس، امور خبازخانه‌های تهران توسط برنارد بلژیکی به وی محول شد که به هر دلیل از عهده سرو سامان دادن به نان تهران بر نیامد و به همدستی با نانوایان برای گران کردن قیمت گندم متهم شد.^۸ و سرانجام با آغاز جنگ جهانی اول (۱۰ مهرماه ۱۲۹۳) متین‌السلطنه جریده عصر جدید را در تهران و با کلیشه فوق‌منتشر ساخت که به عقیده مولف کتاب تاریخ هیجده ساله آذربایجان یکی از روزنامه‌های آبرومند ایران بود و در میان روزنامه نویسان کسی به آگاهی و فهم او نمی‌بوده و همچنین می‌افزاید: «در نگارش‌هایش نیز همه ایران خواهی نشان می‌دهد^۹» عصر جدید از شماره ۴۱ به بعد یک تغییرات جزئی و کلی داشته است از جمله نشان (لوگوی) این روزنامه از شماره ۴۱ به بعد به رنگ قرمز چاپ می‌شود و می‌توان گفت روزنامه تقریباً نیمه رنگی منتشر می‌شود.^{۱۰} و یک تغییر کلی این که از هفته‌ای یک شماره در روز جمعه، به سه شماره در روزهای شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه تبدیل شد.^{۱۱} که هر شماره در ۸ صفحه و در سه روز به ۲۴ صفحه می‌رسید یعنی دو برابر صفحات شماره‌های نخست که ۱۲ صفحه بود اما در کلیات مقالات، مندرجات و اسلوب تغییری رخ نداد.^{۱۲}

یک نکته قابل توجه اینکه از شماره ۴۱ به بعد مطالبی تحت عنوان استقبال از شوخی، از شوخی و طنز

عصر جدید

شماره جشن سالیانه عید مولود علیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه (۱۳۱۵) و تاجگذاری (۱۳۲۲)



هفتگی

(وجه اشتراك در طهران ۴ تومان) در تحت نظر و مدیریت عبدالحمید خان متین السلطنه (ولایات داخله یکساله ۴ تومان)

شماره ۴۱	طهران جمعه ۲۶ شهبان المعظم ۱۳۲۲	قیمت این نمره ۱۰ شاهی
شوخبای خوب حلاه لوانج وارده از بهمان آبیه عصر جدید	۶ ۵ ۶ ۶	در بهستان تکراف بی سیم برای وطن مملکت باواری
دوگزار در صفحه اول و سیم	۶	سطله احوال بلند با بهستان
یاد داشت هفته	۲	استاد تاریخی
مشاوریت جنگ و نقش ماهدات	۲	ایران در دوست سال قبل
سک در میدان جنگ	۵	
جایزه کتابی عصر جدید	۹	

فهرست مطالب

از بزرگترین امیاد از برای ملت ایران است
لازم دانستم مختصر نظری بدو و زندگانی
و سلطنت این شاهنشاه جوانیخت انداخته بدون

بمشترکین جدید!

در تحت عنوان «آبیه عصر جدید»
نوشته‌ای نسبت بگذشته و نسبت به آینده عصر
جدید، ملاحظه خواهید فرمود. چنانچه نظرانی
دارید توسط یک مکتوب بنا اطلاع دهید.
ما حتی المقدر در اصلاح خود اهم از
قطعه نظر سیاسی یا ازقطعه نظر اداری سامی هستیم
فقط چیزی که هست از مشترکین خود یادآوریم
می خواهیم که قابل عمل باشد. این معنی که وقتی
مطلبی را پیشنهاد می کنند تمام محضورات را بنظر
آورده بین آنان پیشنهاد کنند. ما بقدر امکان
و تا حدی که خسارت قابل تحمل باشد از اجرائی
پیشنهاد های خوبی بخواهیم بکنیم. بنا می شود خود اداری
تتمیم کرد. **عصر جدید**



این است بگانه امید
واری ایران و تنها نیک
بختی و تسلیمی که ایرانیان
در مقابل تمام بد بختیهای
خود دارند
مملکت ایران بشاهنشاه
مشروطه خواه خود مینازد
و افراد ملت ایران هر قدر
بیشتر می گنند معصیت پادشاه
جوانیخت خود را بهتر در
قلوب خود جای گزین می
کنند.
زنده باد شاهنشاه ایران!

سلطان مشروطه خواه ایوان

بنسبیت اینکه فردا مقارن است با حضرت اقدس شهر یاری سلطان احمد شاه عید میلاد و جشن سالیانه تاجگذاری اعلی قاجار خلدالله ملکه و سلطنته که در واقع یکی

استقبال می کند و از خوانندگان می خواهد که طنزهای کوتاه خود را ارسال نمایند و به بهترین آنها جایزه‌ای (یک پنج هزاری طلا) تقدیم می کند! به نظر می رسد در شرایط بحران اقتصادی ناشی از جنگ روزنامه از درآمد خوبی برخوردار است و از طرفی در آن اوضاع آشفته و بحرانی می توانست خوانندگان خود را وادار به خنده نموده و تا حدودی از رنج مردمی که ناخواسته قربانی زد و بندهای سیاست بین المللی شدند بکاهد و نکته دیگر دانستنش خالی از فایده نیست این که تعداد خوانندگان نشریه عصر جدید قابل توجه می باشد بطوریکه علاوه بر کسانی که مشترک هستند، ۲ هزار نسخه چاپ شده، در عصر همان روز نایاب می شود.^{۱۴} باقر عاقلی در کتاب روز شمار تاریخ ایران در زیرنویس می آورد: «اگر چه مسلک سیاسی روزنامه عصر جدید برخلاف مرام ملیون ایران بود لیکن از جهات عدیده بر سایر روزنامه‌های تهران بواسطه صحت اخبار و مقالات جدی ترجیح کلی داشت».^{۱۵}

به ادعای سردبیر روزنامه عصر جدید در شماره نخست این روزنامه با هدف درج اخبار داخلی و خارجی و همچنین آگاهی دادن به هموطنان برای حب میهن و وطن دوستی چاپ می شد همچنین اذعان می دارد که روزنامه‌نگار باید میانرو و از علم کافی نیز برخوردار باشد..... و روزنامه باید مثل یک کلاس درس باشد^{۱۶} ... و در شماره ۴۲ ص ۳ یکی از دلایل موفقیت خود را از زبان یک خواننده چنین می نویسد: اغلب جراید ملی ما بعد از مشروطیت از آزادی قلم برای فحاشی و تهمت به هموطنان و ترویج فساد اخلاق نوبوگان قدم بر می دارند درحالیکه نشریه عصر جدید این رویه را مردود می داند و در شماره ۴۱ ص ۷ ضمن بر شمردن ویژگیها متعدد برای نشریه عصر جدید مهمترین ویژگی آن را بی طرفی می داند (و از آنجائیکه به اتهام طرفداری از روس و انگلیس ترور شد دانستن این دلایل از اهمیت خاصی برخوردار است)

عصر جدید به هیچ یک از احزاب سیاسی امروزی ایران علاقه و بستگی ندارد ولی نسبت به هیچ یک هم ضدیت و خصومت ندارد و کوشش هم در جد و جهدی که برای حفظ اساس استقلال ایران می کنند قابل تقدیر دانسته و بقدر قوه خود مساعدی آنها را تأیید کرده و می کند و اگر گاهی غیرمستقیم مجبور به تنقید عملیات بعضی از احزاب سیاسی شده مسلماً برای این بود که به تصور عصر جدید ضرورت پلتیکی از نقطه نظر حفظ ایران اقتضا می کرد و ممکن است عصر جدید در این نظریات اشتباه کرده باشد. ولی هیچگاه سوء قصدی نداشته^{۱۷}.

موضوع دوم مسئله روابط خارجی است که بیشتر مورد توجه مقاله حاضر است می نویسد: عصر جدید حتی المقدور سعی در حفظ بی طرفی نموده و اعلان بی طرفی ایران را از جانب ذات اقدس شاهنشاهی با مقتضیات امروز موافق دیده و از این خط کمتر انحراف یافته است چیزی که هست گاهی شکایت از این کرده که دول متخاصمه این بی طرفی را مراعات نمی کنند و در ادامه خود اذعان می دارد که این مسئله را هم پوشیده نمی داریم که شاید بعضی تمایل معنوی عصر جدید را در تمام این مدت به یکی از دو دسته محارب بیشتر دیده اند. ولی لازم است قبلاً جهت این تمایل را دانست! «عصر جدید و خوانندگان او از نقطه نظر خصوصی با متحدین اروپای مرکزی هیچگونه تمایلی ندارند و نه با متحدین هشتگانه از نقطه نظر خصوصی عداوتی دارند بلکه عملیات هریک را نسبت به ایران اگر قابل تنفید دانسته اند نظر به مصالح و منافع ایران بوده است اگر دو عضو از متحدین هشتگانه روابطی با ایران داشته اند که از روی صمیمیت نبود تقصیر ما نیست و اگر

مخارج بحریه دول اروپا

برای مقایسه قوه بحری دول اروپا و دالمتن میزان پولی که در این سنوات آخر دول معظم دنیا بمصرف بحری خود رسانده اند جدول ذیل را از صوفی که در ماه گذشته اداره امیر البحری دولت برطانیا بطبع رسانده است ما برداشته و بنظر قارئین محترم خود میرسانیم .

— برطانیا کبیر —

سال	مبلغ به لیره انگلیس
۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶	۳۷,۱۵۹,۲۳۵
۱۹۰۶ تا ۱۹۰۷	۳۳,۵۹۹,۵۳۱
۱۹۰۷ تا ۱۹۰۸	۳۲,۷۳۵,۷۱۷
۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹	۳۳,۵۱۱,۷۱۹
۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰	۳۳,۰۵۹,۷۵۲
۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱	۳۱,۱۱۸,۶۶۸
۱۹۱۱ تا ۱۹۱۲	۳۳,۰۶۱,۵۹۹
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۳۵,۵۰۲,۲۱۳
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۳۹,۶۲۵,۳۶۶

اعتبار داده شده است

سال	مبلغ به لیره انگلیس
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۵۲,۲۶۱,۷۳۳

اعتبار داده شده است

آلمان

سال	مبلغ به لیره انگلیس
۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶	۱۱,۳۰۰,۰۰۰
۱۹۰۶ تا ۱۹۰۷	۱۲,۰۰۵,۰۰۰
۱۹۰۷ تا ۱۹۰۸	۱۳,۲۳۰,۰۰۰
۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹	۱۶,۴۹۰,۰۰۰
۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰	۲۰,۰۹۰,۰۰۰
۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱	۲۰,۸۳۵,۰۰۰
۱۹۱۱ تا ۱۹۱۲	۲۱,۷۲۰,۰۰۰
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۲۲,۲۱۵,۰۰۰
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۲۳,۳۰۰,۳۳۳

اعتبار داده شده است

سال	مبلغ به لیره انگلیس
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۲۳,۲۸۳,۵۳۱

اعتبار داده شده است

فرانسه

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۱۹,۰۷۲,۹۴۵
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۲۱,۲۹۲,۴۲۲
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۲۵,۳۸۷,۳۰۶

روسیه

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۱۷,۶۸۱,۲۱۳
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۲۵,۳۹۲,۷۸۴
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۲۶,۱۴۹,۲۹۴

ایتالیا

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۱۰,۰۵۴,۵۰۵
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۱۳,۳۳۳,۷۶۲
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۱۰,۳۱۳,۰۰۹

اعتبار داده شده است

اطرش هنکری

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۷,۳۳۲,۷۰۳
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۳,۸۸۹,۴۲۰
۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶	۷,۴۰۸,۱۹۶

اعتبار داده شده است

— ممالک متحده امریکا —

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۲۵,۹۰۲,۵۷۷
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۲۹,۵۸۲,۹۹۱
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۳۰,۳۳۱,۳۶۴ (اعتبار)

ژاپن

سال	مبلغ به لیره
۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳	۹۵,۳۳۹,۹۹۷
۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴	۹,۹۳۸,۴۳۳
۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵	۱۰۰,۲۳۹,۹۱۹ (اعتبار)

اروپاییها صنایع یدی نخواهند داشت

یکی از نتایج مستقیم نعره گمرکی که در زمان مسووز بسته شده باشمایم مشکلات و تضییقات دیگری که در زمان مسووز بر آن افزوده شد این بود که کارخانجات متعدد در تمام شهرهای ایران که مشووجات در آنها یافته میشد به بیکاره از میان رفت فقط ولی باقی مانده است آنرا هم بیهانه رنگهای جوهری وسایر اشکالات محدود کرده وشاید منسوخ کنند

اروپائیان که بازبانی ماشین آلات بکار بردن دستبهای خود را از برای صنایع بتدریج فراموش کرده اند تمجب میکنند که یکمشت ایرانی هنوز بتوانند با دستبهای خود در مقابل ماشینهای آنها مقاومت کرده ودردیدان صنعت با آنها رفانت کنند

میگویند قدیمیها چشمهایشان بهتر میدید وقوه راه رفتن بیشتر ازما داشتند عینک ودوربین بتدریج چشمهای مارا از دیدن وسایل حمل وقل باهسای مارا از رفتن باز داشته است همین اثر را ماشینهای صنعتی امروزه نسبت بدستبهای اروپائی کرده است

اروپائیا بقدری کارهای خود را باماشین میکنند که دستبهای ایشان بکلی از کار مکنون

افتاده است

اروپائی خطهای خوش نمیتواند بنویسد زیرا عادت نوشتن بادست نمیکند ماشینهای خود نویس کار دست را برای او میکند

اروپائی بادست پارچه را نمیتواند خوب بدوزد زیرا چرخهای خیاطی کار دوختن را برای آنها میکند

یکمشت بزرگی از جراحی را آکسون در اروپا با ماشین آلات میکند جراحی که نمیتواند دست خود را بکار بیندازد شبیه مدبر رسدخانه خواهد بود که کوبر باند و نتواند حرکت سیارات را ملاحظه کند

ماشین های جوراب بافی و پارچه بافی صنعت بافتن دست را از آنها گرفته زر دوزی و قلاب دوزی و کلابون بافی تمام همین حال را دارد .

هرکدام را بدست یکفتر زن اروپائی داده بگویند بیایند مثل این است که باداره ما بگویند خواهشمامد قدری بزبان چینی تحریر کنید

کفش و پوتین دوزی همین حال را پیدا کرده است در بعضی مغازه ها روی بعضی پوتین های خیلی گران بنویسند « با دست دوخته شده » و این در صورتیکه در دوختن همان پوتین زیاد از ده قسم ماشین بکار رفته است در این صورت حال پوتین هائیکه فقط ماشین دوزی است میتوان دانست چیست همینطور در سایر چیزها مثل نجاری مثبت کاری صحافی حکاکی وغیره که مهارت دست استاد را بمورد امتحان میاورد امروزه در فرنگستان تمام بنوسط ماشین آلات میشود

شاید فقط مهارتی که هنوز اروپائی با دست خود دارند بکار بردن کارد وچنگال است ولی اگر غذا ها را بحالت عصاره وجوهر در آورده یا بشکل قفس و حب بمصرف برسانند شک نیست که از زحمت استعمال کارد و چنگال نیز فرغ خواهند بود

از مکاتیب وارو

(مکاتیب وارده در صورت صلاحیت وعدم مخالفت با مقررات قانون انطباعات طبع میشود ولی درج این نوع مکاتیب مستازم آن نیست که نظریات ما با مطالب محتویه در آن مکاتیب حتما موافق است در صورت عدم طبع مکاتیب مسترد نمیشود و در چرح و تمویل در عبارت اداره مختار است)

برای اطمینان اداره تمام مکاتیب باید دارای امضای صحیح و آدرس نویسنده باشد وحتی الزام آور مختصر نوشته خود ()

د آقای مدیر عصر جدید

در این دو سه هفته مقاسفانه به موفق بزیرات عصر جدید نشده بودم حالا که ملاحظه کردم بدون آنکه برای خود ایشان جناب

متحدین اروپای مرکزی منافع پلتيکی در ایران نداشته‌اند آنهم یک چیزی نیست که ما برای زمینه نظریات سیاسی خود تتبع و ایجاد کرده باشیم.^{۱۸} (اگر با دقت مطلب بالا را بخوانیم به نظر می‌رسد نویسنده می‌خواهد ذهن خوانندگان را منحرف کرده و او را متمایل به متحدین تلقی کند نه متفقین و این درحالی است که در شماره‌ای نخست از تحلیل‌های او درباره روس و انگلیس از یک طرف و عثمانی از طرف دیگر به راحتی گرایش او مشخص می‌شود. مثلاً در ش ۵ ص ۷ تحت عنوان بی‌طرفی ایران و اوضاع ناگوار آذربایجان و کردستان؛ از منات و بردباری ملت ایران در تحمل و صبر و خویشتن‌داری در مقابل اقدامات روس تعریف می‌کند! اضافه می‌کند اگر شکایتی هم از دو همسایه هست منظور روس و انگلیس که خیلی زیاد است، اقتضا نمی‌کند در چنین موقعی که انواع گرفتاری‌ها برای آنها دست داده، ما نیز به یک حال سست عنصرانه به قدر خود یک سنگی ولو کوچک باشد پرتاب کرده و عدم ظرفیت خود را بروز دهیم و جالب است که درباره جبهه مخالف در شماره ۷ صفحه ۶ تحت عنوان دولت علیه عثمانی و جنگ بین‌الملل می‌نویسد: ورود این دولت به جنگ یک اشتباه بزرگ است و جالب اینکه متین السلطنه حدس می‌زند اگر جنگ به نفع متحدین نیز تمام شود بازهم حیثیت دولت عثمانی توسط متحدین تخریب خواهد شد! و نکته جالب دیگر اینکه در ش ۱۲ ص ۶ در توجیه بعضی از اخبار روزنامه می‌نویسد: خاطر خوانندگان را متوجه این نکته می‌سازیم که اگر ملاحظه می‌کنند تمام یک نمره مملو از اخبار آژانس رویتر یا پطروگراد و یا پر از اخبار آژانس وولف است این مسئله را مربوط به تمایلات ما ندانند و نیز زاید می‌دانیم از این که گفته شود این روزنامه هیچ ارتباطی با احزاب و دسته‌جات نداشته. و این همه اصرار نویسنده در اثبات بی‌طرفی نشریه خود دلیلی بر طرفداری می‌باشد!

همچنین از نظر امورات داخلی عنوان می‌کند که: ما روزی دو هزار شماره از روزنامه را چاپ می‌کنیم و ۴۵۰ نفر نیز مشترک در شش ماهه دوم اضافه گردید و در عصر همان روز نسخه‌های روزنامه عصر جدید نایاب می‌شود و دلیل می‌آورد که این اقبال عمومی نشانگر بی‌طرفی نشریه ماست و همچنین در شماره ۱۲ ص ۶ می‌نویسد که تعداد مشترکین ما که عده‌اش بیشتر از هر یک از جراید پایتخت می‌باشد می‌تواند دلیل بر بی‌طرفی روزنامه ما باشد.

ویژگی دیگری که از مطالعه روزنامه به آن واقف می‌شویم این است که متین السلطنه از جسارت کافی که لازمه روزنامه‌نگاری می‌باشد برخوردار است و برای اثبات این ادعا می‌توان به موضع‌گیری او در مقابل اقدام کمیته مجازات در ترور اسماعیل خان رئیس انبار غله اشاره کرد. عبدا... متولی در کتاب کمیته مجازات در این باره می‌نویسد: «روزنامه‌هایی که همزمان با فعالیت کمیته مجازات به چاپ رسیده‌اند به صورت اندک و جزئی وارد بحث کمیته شده‌اند و از عملیات کمیته هراس داشتند و در حالیکه غالب روزنامه‌ها تنها در حد انتشار خبر مطالب را پی‌گیری می‌کردند متین السلطنه صراحتاً از اقدامات آنها انتقاد و خواستار دستگیری عاملان آن شد.^{۱۹}

متین السلطنه با وجود درج مقالات متعدد در سال اول و دوم در اثبات بی‌طرفی سرانجام در تاریخ ۱ خرداد ۱۲۹۶ توسط کمیته مجازات به بهانه طرفداری و جاسوسی به نفع متفقین ترور می‌شود. عبدا... متولی در کتاب کمیته مجازات به نقل از منشی‌زاده که یکی از اعضای مؤسس کمیته است می‌آورد: «متین السلطنه سردبیر

روزنامه عصر جدید از کسانی بود که به داشتن جنبه روسو فیلی شهرت یافته است.^{۲۰} در شماره ۳۳ ص ۴-۲ سال دوم مقاله‌ای با عنوان چرا ما داد و بیداد نمی‌کنیم با اینکه با هدف اثبات بی‌طرفی عصر جدید درج شده، جدایی تفکرات متین‌السلطنه را نسبت به سایر جراید هم عصر آن مثل خاور، کاوه و ... به خوبی آشکار می‌سازد و معتقد است که در هر صورت و با هیچ بهانه‌ای نباید به سیاست روس و انگلیس در ایران تاخت چون آنها را عصبی‌تر خواهد کرد؟! و در سر مقاله دیگری در حالیکه تمام کشور از غرب و شمال و جنوب توسط گروه‌های متخاصم اشغال شده مطالبی چاپ می‌کند که مضمون آن این است: «مادامی که هنوز دولت بی‌طرف است... خروج از بی‌طرفی برای همه افراد با هر نیت و انگیزه‌ای نه تنها مثر ثمر نیست بلکه بر اشکالات ملت می‌افزاید و از نظر عصر جدید از مراتب وطن‌پرستی و امتی خارج است. و در شماره دیگری آلمان و عثمانی را به خاطر اشغال ایران مورد سرزنش قرار داده و در تمایل به قرار گرفتن در کنار روس و انگلیس چنین نوشته است: «تحریکات یک دسته از دو دسته متخاصم در ایران کار را به جایی رساند که تمام حدود غربی ایران داخل در این میدان وسیع جنگ شد. با این حال، باز باید دید که آیا شایسته است که فقط تماشاچی بود؟ و به نظر می‌رسد در این مقاله صحبت‌های قبلی خود را در رابطه با بی‌طرفی نقض کرده و ورود به جنگ در کنار متفقین را خواستار می‌باشد. (با مطالعه مقالاتی از این دست به علت دشمنی افرادی مثل تقی‌زاده نسبت به متین‌السلطنه نیز می‌توان واقف شد. این دو در حالیکه به لحاظ علمی و اجتماعی در یک سطح قرار دادند در جناح مختلف، علیه یکدیگر مقاله نوشته و به رقابت می‌پردازند).

کسروی نیز در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان به این نکته اشاره کرد؛ از ضمن اینکه متین‌السلطنه را فردی ارزشمند و آگاه و هواخواه ایران می‌داند او را متمایل به متفقین معرفی می‌کند.^{۲۱}

با مطالعه مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که متین‌السلطنه از مدارا در مقابل روس و انگلیس فراتر رفته و بر این اساس فرصت مناسب برای کمیته مجازات فراهم کرد تا به این بهانه او را ترور نمایند و بخصوص که او صراحتاً به قتل میرزا اسماعیل (رئیس انبار غله تهران) اعتراض کرده و خواستار پی‌گیری مجذانه قاتلین او شد، قتل او برای کمیته محتوم شد.

سید حسن تقی‌زاده سردبیر روزنامه کاوه در شماره ۵ تا ۶ ص ۱۰ با عنوان خدمت نمی‌کنید جنایت چرا؟ موضع روزنامه عصر جدید در مقابل جنگ را مورد انتقاد شدید قرارداد و می‌نویسد: «این موقع که که آتش بیداد روس و انگلیس ایران را سرتاسر مشتعل کرده و یک ملت و مملکتی را میسوزاند هنوز مشتی خائن با کمال بی‌شرفی سخن از بی‌طرفی یا طرفداری روس و انگلیس می‌رانند عجب! امروز که روز انتقام است امروز که ... باز جمعی از وطن فروشان کوس مخالفت می‌کوبند، هنوز اوراق ننگینی مثل «اطلاعات» و «عصر جدید» ملتیان را یاغی و خادمین وطن را خائن جلوه می‌دهند ... اطلاعات و عصر جدید و امثال آنها بدانند که، امروز ملت ایران برای حفظ استقلال و آبروی تاریخی خود کمر مردانگی بسته است ... ایران باید بی‌طرف بماند یعنی چه؟ بی‌طرفی چه معنی دارد؟ و با لحن تمسخر آمیز ادامه می‌دهد: شاید ایران این جراید غیر از ایران ماست و یا شاید برای کلمه بی‌طرفی تفسیر دیگری دارند و یا شاید مقصود از بی‌طرفی بی‌شرفی باشد! امان از قلم‌های بی‌حیا!....»

دو خارج

حمله کشتیهای جنگی آلمان به بندر انگلستان

قل از روزنامه تایمز مورخه ۶ نوامبر بندر یارموت (Yarmouth) ۳ نوامبر چنین کشتی جنگی آلمانی امروز صبح نزدیک این بندر شدند و شروع به تیراندازی نمودند ولی بجای صدمه وارد نیامد مگر یک کشتی توپ کش مستحفظ ساحل موسوم به هالیکن (Halycon) که قدری خرابی باو وارد آمد و یکی از عمله جات این کشتی زخم کاری برداشت .

چند ساعت بعد از رفتن کشتیهای آلمانی يك تفت الصری انگلیس موسوم به (ه نمره ۵) (D.S) در بندر یارموت بین بر خورده و تمام عملیات باستانی دو صاحب مستقیم و دو نفر ملاح نیزه غرق شدند .

در مسافرت دو کشتی کوچک دیگر کیوس (Copious) و فراتر تال (Fra-ternal) نیز بین بر خورده غرق شدند . از عمله جات کیوس ده نفر نجات یافتند و از فراتر تال چهار نفر .

خارج کردن وزیر مختار بلژیک از مکزیک

نظر اینکه وزیر مختار بلژیک در مکزیک يك یادداشت خارج از اذاب بدولت مکزیک درباره عملیات کبابی ترامو مکزیک که قسمت اعظم آن کبابی بلژیکی است تقدیم نموده بوده است وزیر امور خارجه آن دولت باسیرت او را فرستاده است که از انجام حرکت کند . قل از تایمز مورخه ۶ نوامبر

کلوله های تر کنده

یکی از قاربتین روزنامه ها که دکتر است شرح ذیل را بنا مینویسد تا امروز در اینکه آیا کلوله های تر کنده خنک اجتراع شده باشد که مانند زانچک تر کنده شک داشتیم ولی بر من اکنون محقق است که این نوع کلوله ها وجود داشته و دشمنان ما (آلمانی) آن را در این جنگ استعمال میکنند پس من در دویم اکثر مجروح شده کلوله که بشانه پوش

او خورده بود تر کنده و دوازده موضع از بازوی او را زخم کردم بدینیه است اگر کلوله به بازوی او نفوذ نموده بود و آتوق متر کنده چند صدمه آن زیادتر میبود در جراحت بندی چندین مجروح دیگر این نکته را ملفت شده ام که منظر کلوله ها بسیار کوچک ولی منخرج آن بیش از آن حدی که باید بزرگتر باشد وسیع و بازه بازه شده و بخوبی مستحق است که کلوله در هنگام ورود یکی بوده ولی در وقت خروج منقسم بچندین قطعات گشته و اسباب این نوع جراحت شده است این کلوله های تر کنده (انفلاهی یا انفجار پذیر) غیر از کلوله های دوم است و تحصیل اذیت آنها خیلی بیشتر از اذیت کلوله های دوم میباشد (روزنامه تان ۲۴ اکتبر)

این عده به آدرنه و نیوتیک و فرق کلیتیا تقسیم شده اند .

و يك قسمتی از کردارمه چهارم در ازبیر است و در بیت المقدس تمام کردارمه هشتم مکمل و مسلح حاضر است با سه دیویز یون دیگر .

عده این کردارمه چهل هزار نفر است ولی علاوه بر این مقدار زیادی از اعراب و قشون غیر منظم دسته جات چسازه سوار و مقداری نیز قشون ساحلو های هر محل است .

بسط شورش در افریقای جنوبی

سرکردگان معروف بوسنر که در جنگ ترانسوال در مقابل انگلیس مقاومت نموده و بالاخره بادولت مزبور متحد شده بودند ژنرال دویت Jénéral de Wet و ژنرال بایرز Jénéral Beyers باتمام همراهان خود درممالک آزاد آراتز و ترانسوال با شورشیان متحد شده علم طغان افراشته اند . قل از تایمز مورخه ۳۰ اکتبر

توقیف اتباع آلمان و اطریس در مصر

مخبر مخصوص میل از قاهره تاریخ ۲۵ اکتبر تکراف می کند که حکومت مصر تمام اتباع آلمان و اطریس را که سن آنها اجازه میداد که داخل در قشون دول خود بشوند در مصر توقیف کرده اند .

قشون دولت عثمانی

خبر تکراف نظامی روزنامه تایمز تاریخ ششم نوامبر می نویسد : آنچه معلوم است از ابتدای جنگ عثمانی شروع به تجهیزات نظامی خود نموده تقریباً عده نظامیان عثمانی که مشق کرده و برای جنگ حاضرند با صد هزار نفر است و تقریباً دویست و پنجاه هزار نفر هم مشغول مشق و حاضر شدن هستند که کلیتاً مقصد و پنجاه هزار نفر میشود کردارمه بهم و دهم و یازدهم در حدود آنطولی شرقی است هر کدام از این کردارمه ها دارای سه دیویز و هر دیویز یون دارای ده باطالیون باستانی باطالیون تنک جان و علاوه اینها سه بریکاد سواره نظام دارند عده آن مقداری از قشون عثمانی که با روسیه فلما طرف است تقریباً یکصد هزار نفر است علاوه بر اینکه از آکراه سرحدی و غیره جیمیته حاضر کرده اند و ممکن است این اکراد بحدود خوبی و ارومی مزاحمت برسانند .

اما نزدیک شدن زمستان در این حدود از عطلت و احمیت این عده می کاهد . در ایلامیول و نزدیک آنجا که شامل تمام حدود ایرکین تارود اسپید باشد کردارمه های اول سیم و پنجم و يك قسمتی از کردارمه ششم اقامت دارند . علاوه در اینجا قشون مدافع بنزاست که عده آنها خارج از این کردارمه ها است و نیز يك بریکاد سواره و بعضی افواج کسرد و مقداری قشون ساحلو . روی هم رفته قریب دویست هزار نفر قشون در این جنود موجود دارند . در حدود ترانس با عثمانی اروپا کردارمه دوم و قسمت اعظم کردارمه ششم و سه بریکاد سواره نظام و مقداری مستحقین سرحدی میباشد .

قیمت اعلانات در این جریده برابر ذیل است .
صلحه اول قط شرط مختصر
بود اعلان مطری دو قران
صلحه آخر مطری سی هانی
صلحات دیگر مطری بکسران
تمام صلحه باستانی صلحه اول و آخر
هفت تومان . نصف یا ربع صلحه نصف
با ربع این مبلغ میشود حروف بزرگ دو برابر است و در صورت تکرار تخفیف داده میشود

پیام بهارستان / ۳۰ س ۱ / ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

متولی معتقد است درباره اینکه قتل متین السلطنه به دست کمیته مجازات واقعاً به اتهام جاسوسی رخ داده باشد تردید جدی وجود دارد و در اثبات این نظریه می‌نویسد:

اگر چه اعضای کمیته مجازات از واخوردگان ناکام مشروطه هستند که از نامالیمات و نامرادی‌های پس از آن رنجیده و برای جبران ناکامیهای سیاسی خود بنیانگذار چنین حرکت خشن و ضداجتماعی شدند اما نباید از این نکته غافل شد که پیشینه بنیانگذاران کمیته مجازات نشانگر هماهنگی و همکاری با جناح خاصی از مشروطه‌خواهان است، جناحی که اکثراً مورد حمایت آشکار و نهان انگلیس‌ها بود!^{۲۲} و در جایی دیگر می‌آورد: برخی از شواهد و قراین نشان می‌دهد که این قتل احتمالاً با پیش زمینه شخصی اتفاق افتاده است که در بررسی این پیش زمینه هویت پشت پرده اردشیرچی در ماجرای کمیته به‌خوبی آشکار می‌شود.^{۲۳}

متولی برای اثبات این نظریه خود به مقاله انتقادی متین السلطنه در روزنامه مظفری که در سال ۱۳۱۹ق توسط او در بوشهر چاپ می‌شد اشاره می‌کند و نامه‌ای در پاسخ به مقاله اردشیرچی می‌آورد و نتیجه‌گیری می‌کند که این نامه‌ی پاسخ‌شدیدالحن به مقاله متین السلطنه است و کینه و عداوت در آن موج می‌زند و از نظر او اردشیرچی پس از سال‌ها، فرصت مناسب برای تلافی پیدا کرده از طریق کمیته مجازات انتقام می‌گیرد.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا میان افرادی که خاستگاه مشترکی دارند و در جهت منافع کشوری مشترک فعالیت کرده و در دامن آنها نیز پرورش یافته‌اند اختلاف نظر تا آنجا پیش می‌رود که منجر به قتل یکی از طرفین می‌شود، و در پاسخ به این سؤال ناگزیریم بطور خلاصه به چگونگی تأسیس کمیته مجازات و ارتباط آن با گروههای مختلف بپردازیم.

کمیته مجازات

مهدی بامداد درباره تشکیل کمیته مجازات نوشته است، منشی‌زاده برای انتقام‌جویی از خائنین به مملکت در سال ۱۳۳۴ ق برابر ۱۲۹۵ خورشیدی کمیته مجازات را به اتفاق اسدا... خان ابوالفتح‌زاده و محمد نظرخان مشکوه‌الممالک تشکیل داد.^{۲۴} در سوابق اعضای مؤسس این کمیته در منابع مختلف می‌خوانیم که همه علاوه بر عضویت در انجمن حمیت، انجمن مخفی اول و دوم، عضو انجمن غیرت نیز بودند که از نظر رائین انجمن غیرت به تحقیق یکی از انجمنهای فراماسونری در ایران است و همچنین عضو انجمن بین‌الطلوعین بودند که علاوه بر این سه نفر تقی‌زاده نیز عضو آن بود (که وجه اشتراک همه‌گویی، تنفر از متین السلطنه نیز بود!)

و شاید:

درباره انتخاب متین السلطنه به عنوان سومین قربانی (بعد از حاج اسماعیل خان رئیس انبار غله و کریم دوانگر)، منشی‌زاده می‌گوید: متین السلطنه جزء کسانی بود که به وابستگی شهرت داشت و در این ایام لیست عجیبی با اسامی یکایک کسانی که کمیته محرمانه‌ای به نام کمیته همکاری ایران و روس تشکیل داده بودند و به نفع اجانب فعالیت می‌کردند از طریق مجهولی به دست سران کمیته رسید. این لیست که نام اول آن

متین‌السلطنه بود در جلسه کمیته مطرح شد و تصمیم به قتل متین‌السلطنه گرفته شد و به این ترتیب اولین روز خرداد ۱۳۳۵ ق متین‌السلطنه در دفتر کار خود در اداره روزنامه به قتل رسید.^{۲۵}

ابوالفتح‌زاده که مجری این ترور بود در گزارش خود به کمیته می‌گوید چون من از تأخیر مأموریتی که در مورد قتل قوام‌الدوله به عهده داشتم ناراحت بودم و به دلایلی موفق به انجام آن نمی‌شدم به نظرم رسید بجای قوام‌الدوله هر چه زودتر تکلیف متین‌السلطنه را یکسره کنم به این جهت به رفقا گفتم از طرف کمیته حکم دیگر صادر و ابلاغ گردید که کار متین‌السلطنه را جلو بیندازیم.^{۲۶}

عبدالحمیدخان متین‌السلطنه

اولین بیانیه کمیته نیز پس از قتل متین‌السلطنه (عبدالحمیدخان) منتشر شد که با این عبارت آغاز شده بود: هموطنان! متین‌السلطنه کشته شد در حالی که با خود بار سنگینی از خیانت و بی‌شرافتی را همراه برد. ما جامعه را از وجود این عنصر بی‌حیثیت پاک کردیم تا سرمشقی باشد برای سایر اشخاص خیانت‌پیشه.^{۲۷} به عقیده متولی با مطالعه بیانیه فوق چند نکته را می‌توان استنباط کرد که در مقاله حاضر به بعضی از آنها که با موضوع ارتباط بیشتری دارند اشاره می‌کنیم. کمیته در این بیانیه مسئولیت قتل متین‌السلطنه و میرزا اسماعیل خان را برعهده گرفت و علت ترور این افراد را خیانتکاری و جاسوسی برای اجانب ذکر کرد و کسانی را که قصد جاسوسی و خیانت داشتند تهدید کرده است و از مردم برای معرفی خائنین و جاسوسان به وطن درخواست همکاری شده است.^{۲۸}

متولی در بخش دیگری از کتاب خود می‌نویسد. با بررسی متن بیانیه کمیته به نکاتی برمی‌خوریم که نشانگر نفوذ فکری اردشیرجی در کمیته می‌باشد، و برای اثبات تئوری خود چنین استدلال می‌کند که نکته اول در بیانیه بازگشت دادن افکار و اذهان به روزگار ایران باستان است و اضافه می‌کند: با بررسی اسناد و نوشته‌ها، طرح چنین دیدگاهی در آن اوضاع و احوال ایران به یک شخص ختم می‌شد و آن کسی نبود جز اردشیر ریپورتر که از مروجین چنین طرز تفکری در تاریخ معاصر ایران است. نکته دوم اسلام‌زدایی و مخالفت با نمادهای مذهب است و برای این نکته نیز دلیل می‌آورد که: «اسلام‌زدایی و مبارزه با روحانیت از برنامه‌های اساسی و دراز مدت اردشیرجی بود» و از طرفی در صفحه ۱۶۹ کتاب او می‌خوانیم متین‌السلطنه زمانی که روزنامه طلوع را در بوشهر منتشر می‌کرد مقاله‌ای در انتقاد از اردشیرجی و زردشتیان ایران نوشته که در مقابل اردشیرجی پاسخی تهدیدآمیز به آن می‌نویسد که نفرت و خشونت در آن موج می‌زند با این جمله تمام می‌شود: براستی سوگند اگر در تهران می‌ماندم داد خود و همکیشانم را از اولیا دولت علیه ایران می‌خواستم ... امیدوارم که گر بمانیم زنده بر دوزیم جامه کار که از فراق چاک شده است!^{۲۹} در پایان متولی چنین نتیجه می‌گیرد که شاید این دادخواهی اردشیرجی به سالها بعد موکول شد یعنی زمانی که متین‌السلطنه روزنامه عصر جدید را منتشر کرد و نوع هدایت روزنامه نیز به گونه‌ای بود که فضای لازم برای بدخواهانش فراهم ساخت تا او را به اتهام جاسوسی تلف کردند.^{۳۰}

پس براساس مطالب گفته شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که مرگ متین‌السلطنه بیش از اینکه عملیاتی

علیه خائنین وطن بوده باشد یک تسویه حساب شخصی بود، بخصوص وقتی از ارتباطات اعضای انجمن با افرادی چون مورگان شوستر، جمعیت‌های بهایی و عضویت در لژهای فراماسونری (با نام‌های انجمن غیرت و بین‌الطلوعین) را مد نظر قرار دهیم^{۳۳} و از طرف دیگر به این نکته توجه داشته باشیم که بین افرادی که از طرف کمیته مجازات برای ترور انتخاب می‌شدند هیچ سنخیتی وجود ندارد تا بتوان براساس آن هدف مشترکی برای کمیته تعریف نمود همچنین تذکر این نکته نیز ضروری است که اگر اعضای کمیته خائنین یا به اصطلاح خودشان وطن فروشان را مورد هدف قرار می‌دهند چرا افراد مهم‌تری که پست سیاسی یا نقش کلیدی در راهبرد سیاست‌های داخلی و خارجی و سوابق واضحی در خدمت به منافع بیگانگان داشتند را انتخاب نکردند و این سؤال که چه عواملی مانع از اجرای ترور افرادی چون قوام‌السلطنه و وثوق‌الدوله شد که سوابق مشخص‌تری نسبت به متین‌السلطنه داشتند! در پاسخ به این سؤال می‌توان به نظریات متعددی اشاره کرد که در شناخت ماهیت این گروه نیز می‌توان به آنها استناد کرد از جمله متولی به نقل از آشتیانی‌زاده در ص ۲۱۱ کتاب خود می‌آورد: «کمیته مجازات بیانگر سرخوردگی چند نفر از طرفداران و وابستگان به مشروطه‌خواهی که بر اثر آتش هیجان‌ات درونی خود دست به ایجاد یک تشکیلات تروریستی زدند» یا وثوق‌الدوله در پاسخ به این سؤال که آیا در تشکیل کمیته مجازات انگلیسی‌ها دست داشتند چنین پاسخ می‌دهد: این چند تن آدمکش روی احساسات و عقاید شخصی خود دست به آدمکشی زدند و کمال‌الوزراء و عمادالکتاب که هر دو از عمال سفارت انگلیس بودند، ریاست آن گروه را به عهده گرفتند و کسروی نیز درباره این گروه می‌نویسد: «کسانی به نام کمیته مجازات به آدم‌کشی برخاسته و روز روشن بی‌باک و بی‌پروا خون مردم را ریخته و آشکارا در روزنامه‌ها «بیانیه» پراکنده و وانمود می‌کردند که خونریزی را به نام ایران دوستی می‌کنند و جز به بدخواهان نخواهند پرداخت»^{۳۴}. و در جای دیگر می‌نویسد: «چون گرفتار شدند پرده از کارشان برافتاد و معلوم شد که بیش از همه افزار دست بدخواهان بودند»^{۳۳}.

البته نباید از این عامل به عنوان علت تامه غافل شویم که عصر جدید تنها نشریه‌ای بود که به عملکرد کمیته در ترور میرزا اسماعیل خان رئیس انبار غله به شدت اعتراض کرده و خواستار مجازات عاملان آن شد. حال باید به سؤالی که قبلاً مطرح شد پاسخ دهیم.

اگر طرفدارای متین‌السلطنه (در عصر جدید) از روس و انگلیس در جریان جنگ جهانی اول ثابت شده و اردشیر ریبورتر نیز سالها در جهت منافع انگلستان در ایران فعالیت می‌کند و هر دو اهداف مشترکی را در خدمت به منافع انگلستان در پیش گرفته‌اند، پس چه عاملی باعث حذف متین‌السلطنه توسط اردشیرجی (اگر چه از طریق کمیته مجازات و یا غیر مستقیم) می‌شود؟

عبدالله... متولی در پاسخ به این پرسش می‌نویسد: این نکته را نیز نباید از نظر پنهان داشت که شاید متین‌السلطنه که از تحصیل‌کردگان انگلیس بود در رقابت‌های دو جناح عمل‌کننده انگلیس در ایران، قربانی شده باشد.^{۳۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. به گفته جواد تبریزی نسل متین السلطنه به ابو عبیده ثقفی می‌رسد. - تهران: اساطیر، ۱۳۸۵، ص ۲۶.
۲. افشار، ایرج؛ رجال عصر مشروطیت سید ابوالحسن علوی، تهران ۱۳۸۵، ص ۲۶.
۳. متولی، عبدا...؛ کمیته مجازات. - تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، ص ۱۶۴ به نقل از منصور اتحادیه احزاب سیاسی
۴. همان ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و نیز ر.ک. به تبریزی، جواد، اسناد تاریخی کمیته مجازات.
۵. تبریزی، جواد، اسرار کمیته مجازات - تهران - فردوس ۱۳۶۲، ص ۳۸، به نقل از دکتر اعلم‌الدوله ثقفی (برادر متین السلطنه).
۶. ر.ک. به همان ص ۳۶ - ۳۸
۷. متولی ص ۱۶۴ به نقل از اتحادیه، منصوره، احزاب سیاسی
۸. همان ص ۱۶۵ به نقل از اوراق تازه‌باب مشروطیت و نقش تقی‌زاده
۹. برای اطلاع از جزئیات این جریان ر.ک. به متولی، همان، ص ۱۶۵ و نیز مستوفی، عبدا... شرح زندگانی من... ص ۱۲۹۹ و نیز ر.ک. به کتاب آبی محرم ۱۳۳۱ ج ۸ ص ۲۱۰۴ و نیز افشار ص ۹۱.
۱۰. کسروی، احمد، تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان. - تهران: ۱۳۸۴، ص ۶۱۹.
۱۱. در شماره ۴۱ به نقل از یکی از خوانندگان آمده است:
حلاوت سخت از هزار جایزه به
کرم نما بکن این جریده را رنگین!
۱۲. در مقاله‌ای در ش ۴۱ ص ۹ علت یومیه شدن روزنامه را عدم رسیدگی به هر دو روزنامه عنوان می‌کند.
۱۳. روزنامه عصر جدید ش ۴۲، ص ۳.
۱۴. همان، ش ۴۱ ص ۶.
۱۵. عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. - تهران: گفتار، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ص ۱۱۸.
۱۶. برای آگاهی از ویژگی‌های کامل روزنامه‌نگاران و شرح وظایف آنها ر.ک. به عصر جدید. ش ۱ ص ۱.
۱۷. عصر جدید ش ۴۱ ص ۷-۸.
۱۸. همان... ص ۸.
۱۹. برای آگاهی کامل از چگونگی تشکیل کمیته، اعضا، اهداف و اقدامات و سرانجامشان ر.ک. به متولی، عبدا... کمیته مجازات و نیز ر.ک. به تبریزی، جواد، اسرار تاریخی کمیته مجازات و نیز ر.ک. به بهرامی، عبدا... خاطرات عبدا... بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا. تهران - علمی - ۱۳۶۳.
۲۰. روسوفیلی در اصطلاح سیاسی کسی را گویند که طرفدار نفوذ روسها باشد. (لغتنامه دهخدا)
۲۱. کسروی، احمد ... همان ص ۶۱۹.
۲۲. متولی، همان، ص ۲۱۶.

۲۳. همان ص ۱۶۸.
۲۴. بامداد، مهدی؛ شرح حال رجال ایران قرنهای- تهران: زوار ص ۲۹-۳۱.
۲۵. متولی ص ۶۵ به نقل از ترقی ش ۱۱۵۲ ص ۲۷ و نکته قابل ذکر این که درباره تاریخ و مکان ترور متین السلطنه اختلاف نظر وجود دارد. متولی در کتاب کمیته مجازات ص ۶۸-۶۶ علت اختلاف تاریخ را آورده است اما درباره مکان اجرای ترور باقر عاقلی ص ۱۱۸ ایرج افشار ص ۹۱ مکان را منزل او ذکر کرده و متولی به نقل از منشی زاده، جواد تبریزی و احمد علی سپهر مکان ترور را محل کار او در خیابان قوام السلطنه می نویسد درباره رفع این اختلاف می توان حدس زد که محل کار و منزل او یکی باشد اگر چه در یک منبع منزل او خیابان امین الدوله آمده است
۲۶. تبریز، جواد، همان، ص ۳۳.
۲۷. برای مطالعه متن کامل بیانیه ر.ک. به متولی، همان، ص ۱۰۹، همان، ص ۱۰۹ و نیز تبریزی، همان، ص ۳۸ - ۳۹.
۲۸. متولی ۱۰۹
۲۹. همان ۱۶۹
۳۰. همان ۱۷۰
۳۱. متولی معتقد است که تعدادی منابع منشی زاده و ابوالفتح زاده را بهایی نیز می دانند، همان، ص ۱۲۱.
۳۲. کسروی، احمد، همان، ص ۶۱۹.
۳۳. همان ۶۴۴.
۳۴. متولی، همان، ص ۱۷۰.

